

کنفرانس گوادلوپ و انقلاب اسلامی ایران

مقدمه

عبدالرضا آقایی
دبیر تاریخ، ازنا

زاممدار این جزیره است و سه نماینده و دو سناتور نیز از آن در مجلس فرانسه حضور دارند. مردم گوادلوپ کاتولیک مذهب، پول آن‌ها فرانک و زبان رسمی و رایج‌شان فرانسه است که با خط لاتین نوشته می‌شود. شهرک «باستر» با حدود ۲۰ هزار نفر جمعیت، مرکز این جزیره است. پنبه، نیشکر، قهوه و موز نیز مهم‌ترین محصولات آن به حساب می‌آید. (بیدخوری، ۱۳۸۰: ۹)

شخصیت‌های شرکت‌کننده در کنفرانس گوادلوپ

همزمان با تشکیل دولت بختیار و پیش از خروج محمدرضا شاه از ایران، کنفرانس گوادلوپ با حضور **جیمی کارتر** «دموکرات» رئیس‌جمهور آمریکا، **ژیسکار دستن** «لیبرال» رئیس‌جمهور فرانسه، **جیمز کالاهان** «سوسیالیست» نخست‌وزیر انگلیس و **هلموت اشمیت** «سوسیال دموکرات» صدراعظم آلمان غربی تشکیل شد. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۵: ۴۹۴) و (کدیور، ۱۳۷۹: ۱۹۵) صبح روز پنج‌شنبه ۱۴ دی‌ماه ۱۳۵۷ (۴ژانویه ۱۹۷۹) ابتدا ژیسکار دستن، جیمز کالاهان، هلموت اشمیت و سپس کارتر به همراه برژینسکی، مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور آمریکا وارد جزیره گوادلوپ شدند. (بیدخوری، ۱۳۸۰: ۱۰-۹)

چگونگی تشکیل کنفرانس گوادلوپ

این کنفرانس به دعوت **ژیسکار دستن**، رئیس‌جمهور فرانسه، هنگامی تشکیل شد که خطر مداخله شوروی برای بهره‌برداری از اوضاع بحرانی ایران در آغاز سال ۱۹۷۹ میلادی جدی به نظر می‌رسید. تغییر سیاست اتحاد جماهیر شوروی نسبت به وقوع انقلاب در ایران، موضع نگران‌کننده‌ای از طرف سیاستمداران غرب محسوب می‌شد. تا پیش از آن، شوروی از مواضع شاه حمایت

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، یکی از مهم‌ترین وقایع سیاسی نیمه دوم قرن بیستم بود. از این رو روزهای آخر حکومت پهلوی، یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مقاطع تاریخی انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود. یکی از وقایع مهم آن ایام برگزاری کنفرانس گوادلوپ بود که با شرکت رهبران چهار کشور قدرتمند جهان (آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان غربی) در جزیره گوادلوپ تشکیل شد. در این مقاله به این سؤال پاسخ می‌دهیم که: «تشکیل کنفرانس گوادلوپ چه ارتباطی با انقلاب اسلامی ایران داشت؟»

کلیدواژه‌ها: کنفرانس گوادلوپ، دولت‌های غربی، انقلاب اسلامی ایران

کنفرانس گوادلوپ

این کنفرانس از ۱۴ تا ۱۷ دی‌ماه ۱۳۵۷ در جزیره گوادلوپ برگزار شد و در آن رهبران چهار کشور غربی در مورد چند بحران مهم جهانی مانند کودتای کمونیست‌ها در افغانستان، خشونت در آفریقای جنوبی، جنگ کامبوج، خطرات روزافزون شوروی در خلیج فارس، مسئله ترکیه و یمن جنوبی و از جمله انقلاب اسلامی ایران به بحث و گفت‌وگو پرداختند و سیاست‌های خارجی خود را هماهنگ کردند. (یزدی، ۱۳۶۸: ۸۹)

گوادلوپ نام جزیره‌ای کوچک در شرق دریای کارائیب و غرب اقیانوس اطلس است. این جزیره با حدود ۱۸۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۳۶۰ هزار نفر جمعیت، دارای آب‌وهوای گرم و مرطوب و پر باران است. در اواخر قرن پانزدهم میلادی توسط کریستف کلمب کشف شد و از اوایل قرن نوزدهم میلادی جزء مستعمرات فرانسه قرار گرفت. در پایان جنگ جهانی دوم، فرانسه به شهروندان این جزیره حقوقی برابر با فرانسویان داد و جزیره نیز یکی از ایالات ماورای بحار فرانسه شد. به همین دلیل یک فرماندار انتصابی از سوی دولت فرانسه

همزمان با تشکیل دولت بختیار و پیش از خروج محمدرضا شاه از ایران، کنفرانس
گوادلوپ با حضور جیمی کارتر «دموکرات» رئیس‌جمهور آمریکا، ژیسکار دستن «لیبرال»
رئیس‌جمهور فرانسه، جیمز کالاهان «سوسیالیست» نخست‌وزیر انگلیس و هلموت
اشمیت «سوسیال دموکرات» صدراعظم آلمان غربی تشکیل شد

سران کشورهای آمریکا، انگلیس و آلمان فرستاد و آن‌ها را به گوادلوپ دعوت کرد تا به مشورت پرداخته و سیاست‌های خود را با آن‌ها همسو کند و راه‌حلی برای حفظ منافع خویش در ایران بیابند. (نجاتی، ۱۳۷۳: ۲۲۲-۲۱۶)

نظر رهبران کشورها در مورد اوضاع ایران

در جلسه‌ای که به بررسی اوضاع ایران اختصاص داشت، ژیسکار دستن از جیمز کالاهان نخست‌وزیر انگلیس، خواهش کرد که موضوع ایران و وضعیت شاه را برای دیگران توضیح دهد و موضع کشورش را در این مورد بیان کند. جیمز کالاهان با توجه به اطلاعاتی که از سوی عده‌ای از دیپلمات‌ها و

می‌کرد. اما با ناکامی سیاست‌های شاه و دولت نظامی از هاری، در ۱۸ نوامبر ۱۹۷۸ (۲۷ آبان ۱۳۵۷) برژنف، رهبر وقت شوروی، با ارسال پیامی به کارتر نسبت به مداخله آمریکا در امور و مسائل ایران هشدار داد. همزمان با ارسال این پیام، روزنامه «پراودا» در مقاله‌ای درباره هرگونه مداخله خارجی در امور ایران هشدار داد و نوشت: هرگونه مداخله خارجی در امور ایران، به خصوص دخالت نظامی در این کشور همسایه را عملی برضد امنیت خود تلقی خواهد کرد. در پاسخ برژنف، کارتر طی پیام محکمی اتهام مداخله آمریکا در امور ایران را رد کرد و این اتهامات را مقدمه دخالت شوروی در ایران قلمداد کرد. به هر صورت، احتمال نفوذ شوروی و دخالت در حوادث ایران برای غربی‌ها بسیار نگران‌کننده بود. (طلوعی، ۱۳۷۵: ۳۹۰)

به این ترتیب ژیسکار دستن، با توجه به بحران ایران و خطر مداخله شوروی در این کشور و همچنین گزارش‌های «رائول دلای» سفیر فرانسه در تهران و گزارش‌های «پونیا توسکی» فرستاده ویژه خود به تهران، که خطر مداخله شوروی در ایران را خاطرنشان کرده بود، و اینکه کشورش میزبان امام خمینی (ره) رهبر انقلاب بود، دعوت‌نامه‌هایی برای



دوستانه‌ای که بین کارتر و شاه برقرار شده بود، من گزارش‌هایی از تهران دریافت می‌داشتیم که نشان می‌داد، سفارت آمریکا و سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا به‌طور محسوس از شاه فاصله می‌گیرند و در جست‌وجوی یک راه‌حل سیاسی برای مسائل ایران هستند. قابل درک بود که آن‌ها در جست‌وجوی مردی برای این راه‌حل سیاسی هستند ولی مطلوب خود را نمی‌یابند. (ژیسکاردستن، ۱۳۶۸: ۱۰۲-۱۰۰)

جیمی کارتر، رئیس‌جمهور آمریکا، به‌عنوان آخرین سخن‌گو رشته کلام را به دست گرفت و گفت: «وضع ایران به کلی تغییر کرده است، شاه دیگر نمی‌تواند بماند. مردم ایران دیگر او را نمی‌خواهند و دولت‌مرد توانایی در ایران باقی نمانده است که حاضر به همکاری با او باشد. اما جای نگرانی نیست، نظامی‌ها هستند. آن‌ها قدرت را به دست خواهند گرفت. بیشتر فرماندهان نظامی ایران، در مدارس ما تحصیل کرده‌اند و فرماندهان و رؤسای ارتش، ما را خوب می‌شناسند. آن‌ها حتی یکدیگر را به اسم کوچک صدا می‌کنند!» (همان: ۱۰۲-۱۰۱)

این سخن، تمام حاضران را به تعجب واداشت و ژیسکاردستن که نمی‌توانست آنچه را می‌شنید باور کند با بهت و حیرت بیشتری به کارتر نگاه می‌کرد. کارتر تا آنجا پیش رفت که هر نوع امکان موفقیت شاه را منتفی می‌دانست و موفق شد نظر هواداران شاه را به کلی تغییر دهد و رهبران غرب را به عرصه گفت‌وگو و تصمیم‌گیری در مورد ایران پس از شاه بکشاند. در این جلسه ژیسکاردستن تغییر موضع داد و با قاطعیت اعلام کرد که اگر شاه به اقامت در ایران ادامه دهد، خطر جنگ داخلی افزایش خواهد یافت و این وضع ممکن است به بهره‌برداری کمونیست‌ها و مداخله شوروی منتهی گردد. (رویبن، ۱۳۶۳: ۱۷۶)

گفتنی است، گزارش‌هایی که در مورد محتویات گفت‌وگوهای اجلاس گوادلوپ از طرف رئیس‌جمهور فرانسه و مقامات آمریکایی منتشر شده است با یکدیگر تناقض دارد.

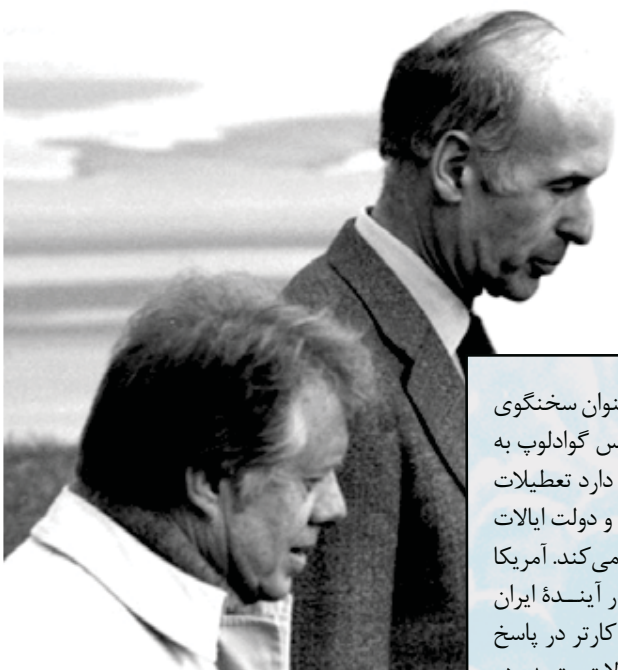
برخلاف نظر ژیسکاردستن، کارتر در خاطرات خود نوشته است: در گوادلوپ هیچ یک از رهبرانی که با من گفت‌وگو کردند، اشتیاق زیادی به حمایت از شاه نشان ندادند. هر سه آن‌ها فکر می‌کردند که شاه باید جای خود را به یک حکومت غیرنظامی

کارشناسان انگلیسی به دست آورده بود به بررسی اوضاع ایران پرداخت. او در این بررسی اوضاع ایران را بسیار بحرانی و شاه را بازنده اصلی ماجرا می‌دانست. کالاهان گفت: «شاه از دست رفته و دیگر قادر به کنترل اوضاع نیست. راه‌حل واقعی برای جان‌شینی او هم وجود ندارد. مردان سیاسی که در میدان مانده‌اند توانایی‌های محدودی دارند. به علاوه بیشتر آن‌ها با رژیم ارتباطاتی داشته‌اند و آلوده به مسائل و مشکلات این رژیم هستند. آیا ارتش می‌تواند در این میان یک نقش انتقالی ایفا کند؟ نه! ارتش فاقد تجربه سیاسی است و فرماندهان آن هم به شاه وفادارند. (ژیسکاردستن، ۱۳۶۸: ۱۰۱)

هلموت اشمیت، صدراعظم آلمان با دقت و توجه خاصی به اظهارات کالاهان گوش می‌داد و هیچ سخنی به میان نیاورد، و به‌طور کلی با این نظرات موافق بود. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۵: ۴۹۴)

سخن‌گوی بعدی، ژیسکاردستن، رئیس‌جمهور فرانسه بود که براساس اطلاعات ارسال‌شده سفیر فرانسه در تهران و گزارش میشل پونیاتوسکی، نماینده ویژه‌اش در تهران، در سخنان خود به دو موضوع اشاره نمود. این دو موضوع عبارت بودند از خطر تجزیه سیاسی ایران و هراس از مداخله شوروی در امور ایران. وی تأکید داشت که در شرایط موجود می‌بایست از شاه به‌عنوان بهترین گزینه برای نجات ایران حمایت کرد. زیرا اگرچه شاه تنها و ضعیف به‌نظر می‌رسد، حداقل دید واقع‌بینانه‌ای نسبت به مسائل دارد و تنها نیروی موجود در برابر جریان مذهبی، یعنی ارتش را در اختیار دارد. همچنین شاه در برابر مشکلات اقتصاد ایران که در مواضع طبقه متوسط تأثیر فراوانی گذاشته است، از نفوذ قابل توجهی برخوردار است. از این‌رو امکان تغییر و یا ابتکار تازه سیاسی را دارد. (ژیسکاردستن، ۱۳۶۸: ۱۰۱ و نجاتی، ۱۳۷۳: ۲۱۶-۲۱۳)

ژیسکاردستن در کتاب خاطرات خود در مورد مواضع آمریکایی‌ها می‌نویسد: در کنفرانس طرح اوضاع ایران امری به‌جا و طبیعی بود. درک رویه آمریکایی‌ها در قبال اوضاع ایران دشوار بود. قبل از بروز بحران، آمریکایی‌ها به علت ارتباطات تنگاتنگ خود با ایران، به‌خصوص در زمینه نظامی، مستقیماً با مسائل ایران درگیر بودند و کمتر اروپاییان را در این امور دخالت می‌دادند. با وجود روابط ظاهراً



ژیسکار دستن و کارتر

در ۲۱ دی ماه **سایروس ونس** به عنوان سخنگوی چهار کشور شرکت کننده در کنفرانس گوادلوپ به روزنامه نگاران گفت: شاه در نظر دارد تعطیلات خود را در خارج از ایران بگذراند و دولت ایالات متحده نیز این تصمیم شاه را تأیید می کند. آمریکا احساس می کند که شاه دیگر در آینده ایران نقشی ندارد. فردای آن روز جیمی کارتر در پاسخ خبرنگاران گفت: فکر می کنید ایالات متحده در برابر یکی از مردمی ترین انقلاب هایی که در این قرن یا در هر قرن ممکن است اتفاق بیفتد، چه می تواند بکند؟ در ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ به محض اینکه شاپور بختیار نخست وزیر جدید از مجلسین رأی اعتماد گرفت، شاه برای همیشه ایران را ترک کرد. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۵: ۴۹۶-۴۹۵)

در یک نگاه کلی، می توان دستاوردهای کنفرانس گوادلوپ در مورد ایران را در محورهای ذیل دسته بندی کرد:

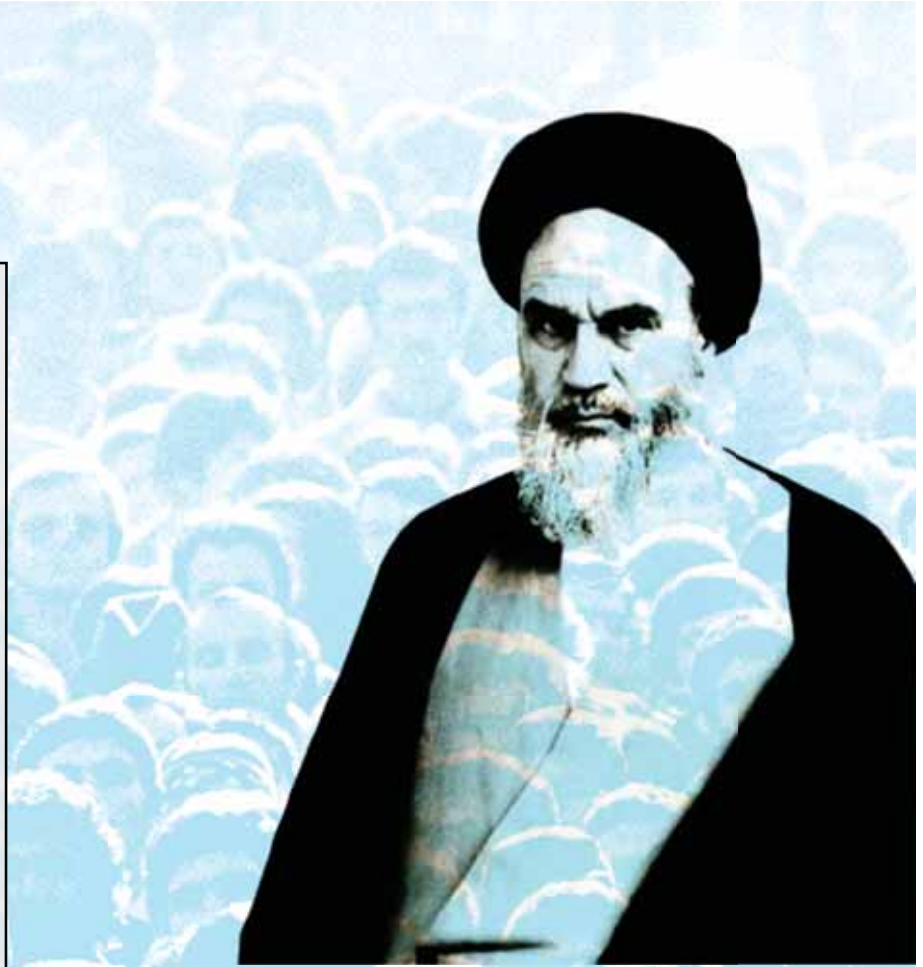
مهم ترین محور تصمیمات این بود که دیگر نمی توان به آینده سیاسی شاه امیدوار بود و ادامه حضور وی، تنها موجب گسترش بحران خواهد شد؛ بنابراین، از آنجا که دول غربی قادر به پشتیبانی از شاه نیستند، خود باید در مورد حضور و یا خروج از ایران تصمیم گیری نمایند. باید توجه داشت که سیاست آمریکا در این مرحله بر این اصل استوار بود که با توجه به فروپاشی نظام شاهنشاهی، انتخابی جز «بختیار» و یا حکومت مردمی به رهبری آیت الله خمینی وجود ندارد، بنابراین غرب می بایست هر چه سریع تر با رژیم جانشین توافق نموده و این نظام می بایست دولتی غیرنظامی باشد، زیرا شاه همه راه حل ها را در عمل آزموده و از آن نتیجه ای نگرفته بود. از سوی دیگر، با توجه به آنکه مسئله زندگی شاه پس از خروج از ایران بسیار حیاتی بود، کنفرانس گوادلوپ به این موضوع نیز حساسیت نشان داد و به این نتیجه رسید که ترتیب پذیرایی از شاه را که در آینده ای نزدیک کشور را ترک می کند فراهم آورد.

بدهد و ایران را ترک کند. اما آن ها در مورد متحد ماندن ارتش با من هم عقیده بودند، همچنین هیچ تمایلی به **آیت الله خمینی** و عناصر تندرو نداشتند. (طلوعی، ۱۳۷۵: ۳۹۵)

فریدون هویدا، آخرین سفیر شاه در سازمان ملل نیز می گوید: «طبق اطلاعاتی که از کنفرانس سران چهار کشور در گوادلوپ به دستم رسیده، در آنجا صدراعظم آلمان و نخست وزیر انگلیس بر حمایت از شاه پافشاری داشتند، ولی کارتر و ژیسکار دستن برعکس، معتقد بودند که به خاطر وضعیت حاکم بر ایران دیگر امکان ادامه حمایت از شاه وجود ندارد. به هر حال هدف مذاکراتشان هم جز این نبود که با هم برای انتخاب بهترین راه در جهت حفظ منافعشان در ایران به توافق برسند.» (هویدا، ۱۳۸۶: ۲۰۲)

در ارتباط با مواضع کشورهای غربی در کنفرانس گوادلوپ، **باری روبین**، محقق آمریکایی، می نویسد: سیاست آمریکا در ایران در این زمان مبتنی بر این اصل بود که دیگر رژیم شاه را باید تمام شده دانست. در این کنفرانس، رهبران سه کشور اروپایی اظهار عقیده کردند که دیگر به بقای رژیم شاه نمی توان امید بست و غرب باید هر چه زودتر با رژیم جانشین کنار بیاید. رئیس جمهور فرانسه گفته بود: آنچه اروپا بدان احتیاج دارد، نفت ایران و ثبات منطقه است و واشنگتن باید خود را با تغییرات سیاسی تطبیق بدهد. (روبین، ۱۳۶۳: ۱۷۷-۱۷۶)

بالاخره کنفرانس سران، چهار کشور در هفتم ژانویه (۱۷ دی ماه) پایان یافت. خبرگزاری یونایتد پرس از ختم کنفرانس چنین گزارش داد: شاه ایران در حالی که چشم به راه پاسخ ایالات متحده آمریکا است، باید خود سرانجام تصمیم بگیرد که در ایران بماند یا برای یک مرخصی برود، که ممکن است سرانجام منجر به پایان یافتن سلطنتش شود، آمریکا به خاطر مخالفت های فزاینده و همه جانبه ایرانیان نمی تواند از او حمایت کند. (یزدی، ۱۳۶۸: ۹۷)



شده است. روزنامه‌های ۱۶ دی‌ماه، که بعد از ۶۰ روز اعتصاب منتشر شدند، در تیتراژ اول خود خبر از این امر می‌دهند. تیتراژ روزنامه اطلاعات چنین بود: آخرین تحول در سیاست خارجی آمریکا نسبت به ایران، شاه برای استراحت از کشور خارج می‌شود. (اطلاعات: ۱۳۵۷)

حاصل یک هفته مذاکره در گوادلوپ، قطعیت یافتن نخست‌وزیری بختیار و تصویب کوشش‌هایی برای حفظ منافع غرب در ایران بود. بر همین اساس، قرار شد رئیس‌جمهور آمریکا توسط ژنرال دستن پیام‌هایی برای امام خمینی بفرستد. اطلاعات رد و بدل شده در گوادلوپ نشان داد که غربی‌ها می‌کوشند از دو راه از آینده رژیم ایران مطمئن بشوند، نخست از راه ایجاد روابط با اطرافیان امام خمینی (ره) و اطمینان یافتن از مواضع ضد کمونیستی نهضت و دیگر از راه جلوگیری از متلاشی شدن ارتش. (بهنود، ۱۳۷۰: ۱۵۳)

پیام کارتر به امام خمینی (ره) و پاسخ امام به این پیام

پس از بازگشت کارتر به آمریکا، سران کاخ سفید، مطابق تصمیمات اتخاذ شده در کنفرانس گوادلوپ در مورد چگونگی مذاکره با امام به مشورت پرداختند. علی‌رغم اختلافاتی که در مورد مذاکره با امام خمینی (ره) وجود داشت، به پیشنهاد کارتر قرار شد که با واسطه دولت فرانسه با امام تماس مستقیم گرفته شود. بر این اساس، در ۱۸ دی‌ماه ۱۳۵۷ دو نفر از جانب رئیس‌جمهور فرانسه برای دیدار با امام خمینی وارد نوفل‌لوشاتو شدند. این دو حامل پیام تلفنی کارتر بودند که به ژنرال دستن ابلاغ شده بود.

کارتر در آن پیام به امام خمینی (ره) به صراحت اعلام کرد که دولت بختیار مورد حمایت آمریکاست و از امام خواست که از او حمایت کند و تهدید کرد که در صورت مخالفت آیت‌الله با دولت بختیار، وقوع یک کودتای نظامی حتمی است. کارتر همچنین افزود که بهتر است آیت‌الله در بازگشت به ایران عجله نکند. کارتر در پیغام خود از امام خواست که تمام نیروهای خود را برای جلوگیری از عدم مخالفت با بختیار به کار برد، چون حمله به بختیار خطرات زیادی دارد و به تلفات زیادی منجر

(ملائی‌توانی، ۱۳۷۸: ص ۴۰۴)

یکی دیگر از نتایج این کنفرانس، تصمیم برای گفت‌وگو و مصالحه با مخالفان سازش‌ناپذیر رژیم پهلوی بود. به همین دلیل، سران غربی، در راستای چاره‌جویی برای حفظ منافع حیاتی خود پس از خروج یا استعفای شاه، در صدد برآمدند تا از راه ایجاد ارتباط با امام خمینی (ره)، این هدف را محقق سازند. (دهم‌رده، ۱۳۸۳: ۱۱۷) بحث پیرامون این موضوع، از محورهای اصلی کنفرانس بود.

تغییر در مواضع آمریکا

در این زمان، در حالی که مردم به ابراز مخالفت خود با بختیار ادامه می‌دادند، به دستور کارتر کمیسیون ویژه‌ای به ریاست دیوید نیوسام، معاون وزارت امور خارجه آمریکا، بررسی مسائل ایران را آغاز کرد. این کمیسیون در نخستین جلسه خود به این نتیجه رسید که در شرایط کنونی، دولت جدید، در صورت نبودن شاه شانس بسیاری در ارائه چشم‌انداز استقلال کشور دارد. بدون تردید تصمیمات این کمیسیون از تصمیماتی که در گوادلوپ اتخاذ شد نمی‌توانست جدا باشد.

در همین روز، منابع مطلع کاخ سفید اعلام کردند که چرخش تازه سیاست آمریکا، تلفنی به اطلاع ویلیام سولیوان، سفیر آمریکا در تهران رسانده

خواهد شد. کارتر در پیغام خود افزود: آنچه لازم است بیفزاییم این است که بدانید که خطر دخالت ارتش هست و وقوع این خطر، اوضاع را بدتر خواهد کرد. آیا بهتر نخواهد بود که یک دوره سکوت و آرامش به وجود بیاید. (یزدی، ۱۳۶۸: ۹۲-۹۱)

امام خمینی (ره) پس از شنیدن پیام کارتر، به مخالفت با درخواست‌های وی پرداخت. ایشان اعلام نمودند که ملت به هیچ عنوان حاضر به همکاری با دولت بختیار نیستند و در مورد احتمال کودتا و مداخله ارتش نیز اعلام کردند که هیچ هراسی از کودتا ندارند و با آن به مقابله خواهند خاست. (صحیفه امام، ج ۵، ۱۳۷۸: ۳۷۷-۳۷۶ و یزدی، ۱۳۶۸: ۹۴-۹۳)

امام خمینی (ره) در ادامه سخنان خود از دولت فرانسه تشکر کرد و چنین پاسخ داد: «از دولت فرانسه تشکر می‌کنم و میل دارم که کارتر را نصیحت کنند که دست از پشتیبانی این شاه و این رژیم و این دولت، که همه برخلاف قوانین است، بردارند و این کودتای نظامی را تأیید نکنند و جلوگیری کنند تا ایران آرامش خود را به دست بیاورد و چرخ‌های اقتصاد به گردش درآید و در آن وقت است که می‌شود نفت را به غرب و هر کجا که مشتری هست صادر کند.» (یزدی، ۱۳۶۸: ۹۵)

چند نکته مهم در مورد کنفرانس گوادلوپ:

● حمایت کشورهای غربی از محمدرضا شاه تا کنفرانس گوادلوپ ادامه داشت. اصول کلی سیاست خارجی غرب، حمایت مستقیم از حکومت ایران، به‌عنوان یک متحد قدرتمند و مورد اعتماد، تا آخرین ماه‌های عمر این رژیم به‌طور مشخص تا کنفرانس گوادلوپ تداوم داشت. (دهمرد، ۱۳۸۳: ۱۱۳)

● آمریکایی‌ها با حمایت از محمدرضا شاه تا لحظات آخر، می‌خواستند هم‌پیمانان منطقه‌ای خود را فریب دهند. فریدون هویدا در کتاب سقوط شاه، می‌نویسد که: «منابع نزدیک به دفتر ریاست جمهوری فرانسه می‌گفتند: در کنفرانس گوادلوپ معلوم شد که آمریکایی‌ها از حدود ماه نوامبر (آذر ۵۷) تقریباً به پیروزی امام خمینی (ره) یقین پیدا کردند و به همین جهت نیز کوشیدند تا از هر راهی که شده به وسیله خود یا دیگران

با امام خمینی و اطرافیانش تماس برقرار سازند، و اعلامیه‌های پشت سرهم آمریکایی‌ها در حمایت از شاه نیز بیشتر برای فریب دادن مقامات رژیم سعودی صادر می‌شد تا آن‌ها گمان نکنند که آمریکا به‌خاطر حفظ منافعش دست از حمایت دوستان خود برمی‌دارد.» (هویدا، ۱۳۸۶: ۲۰۲) از آنجا که هدف آمریکا حفظ منافع خود در منطقه و استمرار صدور نفت ارزان قیمت از منطقه به غرب بود و به‌خاطر آنکه مبادا عربستان به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت احساس عدم اطمینان از حمایت آمریکا کند، تا این زمان سیاست‌های حمایت‌آمیز آمریکا از شاه ایران ادامه داشت. (طلوعی، ۱۳۷۵: ۴۰۰)

● پاسخ امام خمینی (ره) به جواب کارتر، پس از کنفرانس گوادلوپ، توأم با شجاعت و هوشیاری بود، به‌طوری که با سخنان و اقدامات ایشان تلاش‌های چهار قدرت برتر جهان در جزیره گوادلوپ بی‌اثر ماند. (بصیرت‌منش، ۱۳۸۷: ۱۱)

منابع

۱. بیدخوری، یوسف، *درگوادلوپ چه گذشت*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
۲. باقی، عمادالدین، *بررسی انقلاب ایران*، نشر سراسری، تهران، ۱۳۸۲.
۳. بصیرت‌منش، حمید، *امام‌خمینی از هجرت به پاریس تا بازگشت به تهران*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۷.
۴. دهمرد، برات، *دولت بختیار و تحولات انقلاب اسلامی*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.
۵. روبین، باری، *جنگ قدرت‌ها در ایران*، ترجمه محمود مشرقی، آشتیانی، تهران، ۱۳۶۳.
۶. ژیسکار دستن، والری، *قدرت و زندگی*، ترجمه محمود طلوعی، پیک نشر و ترجمه، تهران، ۱۳۶۸.
۷. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، *صحیفه امام*، ج ۵، تهران، ۱۳۷۸.
۸. طلوعی، محمود، *داستان انقلاب*، نشر علم، تهران، ۱۳۷۵.
۹. فردوست، حسین، *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی*، ج ۲، اطلاعات، تهران، ۱۳۶۹.
۱۰. ملایی توانی، علیرضا، *مجموعه مقالات راه انقلاب*، مقاله کنفرانس گوادلوپ و واکنش امام خمینی، نشر هماهنگ، تهران، ۱۳۷۸.
۱۱. نجانی، غلامرضا، *تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)*، رسا، تهران، ۱۳۷۳.
۱۲. هویدا، فریدون، *سقوط شاه*، ترجمه ج. ۱، مه‌ران، اطلاعات، تهران، ۱۳۸۶.
۱۳. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، *سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی*، البرز، تهران، ۱۳۷۵.
- نشریات:
۱. روزنامه اطلاعات، ۱۶ دی‌ماه ۱۳۵۷.

امام خمینی (ره) پس از

شنیدن پیام کارتر، به

مخالفت با درخواست‌های

وی پرداخت. ایشان اعلام

نمودند که ملت به هیچ

عنوان حاضر به همکاری با

دولت بختیار نیستند و در

مورد احتمال کودتا و مداخله

ارتش نیز اعلام کردند که

هیچ هراسی از کودتا ندارند